

نیروهای برانداز در شورش های اجتماعی در ایران

کورش عرفانی

korosherfani@yahoo.com

سرنوشت ایران در چنبره ی بحران های داخلی و نیز فشار بحران اقتصادی جهانی رقم خواهد خورد. در هفته های اخیر و با رسوا شدن نمایش همیشه مسخره ی انتخابات مجلس برای کمتر کسی جای شکی باقی مانده است که زمان تغییر در حال فرا رسیدن است. احمدی نژاد و پاسداران همدست وی که می پنداشتند همه چیز با زور در ه ی داخلی و قدری در صحنه ی خارجی قابل حل و فصل است اینک در مقابل این واقعیت قرار گرفته اند که زور و قدری فقط شدت فروپاشی و سرنگونی را افزایش می دهد. در حال حاضر آنچه سبب تاخیر تلاشی رژیم شده است میلیاردها دلار نفتی است که به واسطه ی قیمت بی سابقه نفت در خزانه ی دولت احمدی نژاد انباشته شده است و به رژیم اجازه می دهد که هر کجا دیوار نظام در حال فروپاشیدن باشد با تزریق این دلارهای نفتی فرو ریختن آن را به طور موقت به تاخیر بیاورد. اما کیست که نداند این روش مسکنی بیش نیست و خانه از پای بست ویران است. سله ی احتمال افزایش ناگهانی قیمت نفت تا مرز 200 یا 250 حمله به ایران نیز سبب شده است که قدرت های غربی محتاطانه تر با ایران برخورد کنند. اما این امر نیز مرزهای خود را دارد و بی شک تامین امنیت دراز مدت سرمایه داری جهانی سبب پایان این برخورد محتاطانه خواهد شد. سرمایه داری هیچ کجا و هیچ وقت حاضر نشده است، آگاهانه، ضربه خوردن به منافع خویش را بپذیرد. سرنوشت ایران به عنوان بخشی از حل موقت بحران سرمایه داری جهانی تعیین تکلیف خواهد شد. همان منطقی که در جهت استقرار امپریالیسم و صهیونیسم در خاورمیانه رژیم شاه را غیر مفید تشخیص داد درباره ی آینده ی رژیم ایران نیز حکم صادر خواهد کرد.

بن بست داخلی رژیم

به دلیل حاکمیت مستقیم سپاه بر نهادهای قدرت ترس و وحشت جناح های مختلف رژیم را فراگرفته است و هیچ یک جرات نمی کنند از حد و سطح غر ناله و شکوه بیشتر دهان بکشایند. در این میان تنها جناح رفسنجانی و اعوان و انصار باند او هستند که به واسطه ی تسلط شان بر بخشی از نیروهای مسلح رژیم هنوز جرات آن را دارند که قدری بر سر دولت پاسدارسالار احمدی نژاد داد بزنند و هشدار دهند. محسن رضایی در سایت خود در مطلبی ب «جمهوری اسلامی و عبور از چالش براندازی» لاش کرده است که نشان دهد چاره ای برای نظام در جهت پرهیز از نابودی نمانده مگر تن دادن به برخی از تغییرها و اصلاحات. نویسنده ی گمنام این مقاله که بوی فرماندهی سابق سپاه پاسداران از آن بلند است می نویسد: «

جمهوری اسلامی توجه به رأی مردم و مردمسالاری، از مهمترین ویژگی های این نظام برشمرده شده، قطعاً بهترین راه که تلفیقی از مردمسالاری در کنار پیگیری آرمان های ایدئولوژیک برخاسته از مکتب اسلام و تشیع است، بهترین گزینه را پیش پای ا¹ «این بیانات به خوبی نشان می دهد که مغزهای متفکر باقی مانده برای نظام همچنان بر روی سناریو ستحاله شرط بندی می کنند تا رژیم تا بن استخوان مسله دار را از مهلکه سرنگونی نجات دهند. بیاناتی از این دست البته تازه نیست اما تا به حال این قدر علنی از خطر سرنگونی صحبت به میان نمی آمد.

متعددی رژیم را محاصره کرده و در نهایت ترکیبی از آنها رژیم را از پای درخواهد . از خطر حمله ی نظامی گرفته، تا گسترش تحریم ها و انزوا و یا رودرویی فیزیکی باندهای داخل رژیم و نیز انفجار اجتماعی جامعه. در اینجا به بررسی مورد آخر که مهم ترین این خطرها پرداخته و نقش نیروهای مبارز را در آن بررسی می کنیم:

¹ <http://www.tabnak.ir/pages/?cid=9477>

خطر شورش از جانب قشرها و طبقات فقیر و تحت فشار مردم:

گرانی سرسام آور می تواند به زودی میلیون ها ایرانی را با خطر ناتوانی در برآورد نیازهای ابتدایشان مواجه سازد. افزایش قیمت برخی از مواد غذایی زیربنایی مانند نان، ماکارونی، برنج و پنیر² می تواند جرقه دادن زندگی خود و یا نزدیکان به دلیل نداشتن نان شب انگیزه ی لازم برای غلبه بر ترس از سرکوب را به بسیاری از ایرانیان خواهد داد. در این صورت می توانیم شاهد یک شورش با انگیزه های اقتصادی باشیم که می تواند به سرعت به حرکت قشرهای دیگر با انگیزه های اجتماعی و سیاسی پیوند بخورد و تبدیل به یک حرکت برانداز . یادآور شویم که اگر قرار باشد این خیزش مردمی ناشی از فقر اقتصادی در حد یک شورش قابل سرکوب نماند باید نسبت به آن نگاهی پویا و اراده گرا داشته باشیم و نه نگاهی مکانیکی، مبهم و جبری.

تبدیل شورش به قیام برانداز جبری ویا اتفاقی نیست، نیازمند آمادگی زیربنایی نیروهای موافق با براندازی در داخل و خارج از کشور است. بدین معنا که هر نیروی براندازی باید آگاهانه و با تلاش فراوان آماده سازد تا به محض بروز شورش قابل پیش بینی فقرا و گرسنگان به صحنه وارد شود و در شکستن ماشین سرکوب رژیم نقش ایفا کند . تا زمانی که دست نیروهای متشکلی مانند ارتش آزادیبخش (مجاهدین) مرزهای ایران بسته است علاوه بر آنها این امر به عهده ی فرد فرد ایرانیان آزادیخواه و تغییرطلب است که سایر نیروهای خودجوشی که در زمان شورش سر بر خواهند آورد پیوند و به سرعت خود را متشکل ساخته و وارد عمل مشترک جمعی و سراسری . در آن مرحله نخستین کار اصلی رویارویی با نیروهای سرکوبگر است تا نتوانند مردم سر به شورش برداشته را سرکوب و عقب . در این صورت حضور نیروهای شورشی که به طور ذاتی حضوری گذرا و لحظه ای دارند تامین می شود. باقی ماندن نیروهای شورش گر در صحنه سبب می شود که بتوانند از مرحله ی حضور گذرا و مقطعی عبور کرده و برای نقش آفرینی طولانی مدت تر به عنوان نیروی برانداز آمادگی پیدا کرده و عمل کنند. این امر سبب خواهد شد که نیروهای سرکوبگر پیوسته با موجی قویتر روبرو شده و به تدریج احساس شکست خوردگی را تجربه کنند. برای اینکه چنین اتفاقی بیافتد، چنانچه گفتیم، لازم است که نیروهای براندازاز حالا آماده باشند که با شجاعت و مهارت نقش خود را در دفع حملات قوای سرکوبگر رژیم، که در پی به خاک و خون کشیدن شورشی ها خواهند بود، ایفا کنند. فراموش نکنیم بافت طبقاتی این رژیم و عوامل نگه دارنده ی آن به گونه ای است که احتمال تسلیم آسان آنها مانند نیروهای رژیم شاه تصور نیست. نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی که از ناکجا آبادهای ساختار طبقاتی جامعه ایران به راس هرم اجتماعی-اقتصادی و سیاسی رسیده اند قادر به هر کاری هستند. از جمله جنایت هایی که با کشتارهای ارتش شاه در زمان انقلاب قابل مقایسه خواهد بود. به همین دلیل نیز مبارزه با نیروهای وابسته به رژیم جمهوری اسلامی باید به صورت هجومی برق آسا، قوی، قاطع و بی ترحم تصور و سازماندهی . در غیر این صورت چنانچه تجربه های بیست ساله گذشته نشان داده است وحشی گری و بی رحمی آمران و عاملان سرکوب در رژیم موجبات عقب نشینی مردم را فراهم خواهد کرد. نبرد مورد بحث نبردی بی تعارف و تمام عیار که در آن عقب نشینی باید از قاموس نیروهای برانداز حذف شود. بدیهی است که با شکستن دیوار نخستین نیروهای مدافع سایر لایه های آن به دلیل نداشتن کمترین ایمان و باوری نسبت به رژیم تا بن فاسد و پوسیده کنونی به راحتی جارو خواهند شد.

نیروهای برانداز چه کسانی هستند؟

در داخل کشور این نیروها شامل طبیف وسیعی از نیروهای طبقاتی و قشرهای اجتماعی هستند که می توان از آنها به عنوان نیروی برانداز نام برد. تعریف برانداز چیست؟ در سطح فردی یا گروهی برانداز نیرویی است که معتقد است نظام جمهوری اسلامی کلیه ی اجزاء، نهادها و جناح های خود باید در تمامیت خویش صحنه ی قدرت کنار زده شود و این مهم را از طریق تمامی روش های مبارزاتی از جمله واقع گراترین آنها، مبارزه ی قهرآمیز، جستجو می کند. نیروی برانداز نیرویی است که به این باور خود عمل می کند، یعنی

² نگارنده مواد گوشتی را در این لیست نیاورده است زیرا خوب می دانیم که گوشت مدت هاست که از مواد غذایی تامین کننده بقای فیزیکی رده های پایین جامعه حذف شده است و نقش مواد غذایی لوکس را برای آنان پیدا کرده است.

به محض فرارسیدن فرصت مناسب برای تحقق این تعریف به صحنه می آید و با قبول خطر طبیعی چنین کاری، دست به عمل زده و در صدد به زیر کشیدن رژیم برمی آید. نیروی برانداز می داند که یگانه شناس تغییر شرایط کنونی نبرد قهرآمیز تمام عیار با رژیم برای حذف قاطعانه ی آنست و برای این منظور به هیچ منبعی جز همت، اراده، آگاهی، شجاعت و قدرت بی پایان خود و توده ها وابسته نیست. نیروی برانداز نه توهمی درباره ی استحاله دارد و نه امیدی به دمکراسی از طریق بمب های آمریکایی. یگانه منبع الهام نیروی برانداز باور به این نکته است که نباید جز به توده های محروم و قدرت مردم روی چیز دیگری حساب کند.

باید بگوییم که نیروهای برانداز داخل کشور بیشتر در میان کارگران، قشرهای محروم و ستمدیده ی جامعه، آگاه قشرهای پایین و میانی طبقه ی متوسط و نیز در میان دانشجویان مبارز و رادیکال یافت می شوند. در خارج از کشور بخش عظیمی از ایرانیان آرزوی براندازی دارند اما تنها بخش ناچیزی از آن در پی عمل برخواهند آمد. ارزش نیرویی مانند مجاهدین و ارتش آزادیبخش با تمام انتقاداتی که بر آنها وارد است در این است که آنها براندازی را از طریق مبارزه ی قهرآمیز باور دارند و در صورت امکان به موقع خود در این باره اقدام خواهند نمود. نگارنده به عنوان یکی از منتقدین این تشکیلات ارزش این باور و آمادگی عملی آنها در مسیر براندازی قهرآمیز در ورای هر داوری و قضاوت دیگری قرار می دهد.

اما عمل کردن برای براندازی در ورای بحث ها نظری³ نیاز به راهکارهای مشخص عملی دارد که نگارنده به طور بسیار مختصر در پایین به برخی از آنها اشاره می کند. بدیهی است که پردازش این راهکارها کاری است تخصصی که باید به طور مفصل و با در نظر گرفتن واقعیت های داخل ایران باشد. نگارنده آگاه است که میان تعریف نظری یک راهکار و تطابق آن با توان نیروهای برانداز از یکسو و شرایط مشخص عینی پیاده ساختن آن در داخل ایران از سوی دیگر فاصله بسیار زیاد است. آن قدر زیاد که شاید این راهکارها در حد حرف باقی بماند و نیاز به تدوین آنها توسط نیروهای درگیر مبارزه در داخل کشور باشد. اما طرح آنها در این جا بیشتر جنبه ی پیشنهادی و جلب توجه بر ضرورت کار سازماندهی و برنامه ریزی مبارزاتی دارد.

وظایف نیروهای برانداز پیش از آغاز شورش:

نیروهای برانداز از حالا وظایفی را برعهده دارند که بهتر است در باره ی آن بسیار دقیق و جدی عمل کنند. این وظایف در مرحله ی پیش از شورش :

- (1) کسب آمادگی بدنی برای وارد شدن به یک مبارزه ی عملی تمام عیار از طریق ورزش و...
- (2) کسب آمادگی رزمی از طریق آموزش در زمینه های رزم چریکی، شبه نظامی و نظامی. یافتن این آموزش ها در حال حاضر از طریق اینترنت و یا از طریق کسانی که خدمت سربازی کرده و یا دوره های نظامی دیده اند ممکن است. آموزش سلاح های مختلف، شیوه های رزم چریک شهری، ساختن مهمات منفجره ی دستی، روش های رزم جمعی، رزم شبانه، رزم چریکی، مقابله با هجوم نیروهای سرکوبگر و...
- (3) تهیه و تدارکات رزمی: نیروهای برانداز هم چنین باید از حالا در پی تهیه و تدارک تسلیحاتی خو سلاح و مهمات را از راه های مختلف به دست آورند، از جمله خرید از بازارهای سیاه در شهرهای مرزی، مصادره و سرقت سلاح از مراکز نظامی، انتظامی و غیره، خلع سلاح ماموران و نیروهای گشتی رژیم، وارد ساختن از طریق قاچاق از کشورهای همسایه و...
- (4) شناسایی و پیش بینی مکان های لازم برای وارد شدن به فاز عملیاتی، مانند محل هایی برای اختفا تجهیزات و مهمات، برای مخفی شدن ، برای انتقال و نگهداری دستگیر شدگان ...
- (5) شناسایی و برقراری ارتباط با افراد و شبکه های دوستان و همزمانی که می توانند در موقع عملیات به یکدیگر پیوسته و مشغول به کار شوند یا یاری برسانند. کار بر روی سازماندهی باید بر اساس انعطاف پذیری، مخفی کاری و کارایی صورت بگیرد.

³ هر م شاهد گری می تواند رشد کمی و کیفی ادبیات سیاسی ایران را در سال های اخیر ببیند و در مورد آن قضاوت کند. به باور نویسنده ظهور اینترنت موجبات این رشد را در اپوزیسیون ایرانی تقویت کرد و امروز دریایی از مطالب نظری پر بار در باره ی موضوعات سیاسی و از جمله چرایی براندازی وجود دارد. اما شاید نقطه ی ضعف در تدوین راهکارهای عملی در این باره باشد که باید تلاش کنیم به طور جمعی و با اتکا به دانش انقلابی و تجربه های مبارزاتی به این نیاز پاسخ دهیم. انتقال تاریخی تجارب گذشته به نسل جدید لازم است، نه با این هدف که مورد کپی برداری قرار گیرد بلکه به عنوان یک منبع الهام و یک مثال مشخص.

- (6) پیش بینی شبکه ها و ابزارهای ارتباطی مانند تلفن، اینترنت، بیسیم، و ..
- (7) تهیه نقشه های دقیق از مکان ها، خیابان ها، مناطق قابل عملیات، شناسایی مناطق امن و غیر امن، شناسایی دقیق پایگاه های علنی و مخفی رژیم و مسیرهای ورود و خروج آنها.
- (8) شناسایی افراد و اماکن سکونت نیروهای مزدورو وابسته به رژیم که باید مورد تنبیه یا دستگیری واقع
- (9) پیش بینی روش های خبررسانی به سایر شهرها و نیز خارج از کشور برای اطلاع رسانی به
- (10) شناسایی و پیش بینی امکان ها و نقشه های قابل اجرا نیروهای سرکوبگر و کسب آمادگی برای مقابله با آنها بخصوص برای محدود ساختن تحرکات نیروهای رژیم در سطح شهر یا جابجایی آنها در سطح منطقه ای ...
- فراموش نکنیم در تمامی این مراحل می بایست اصل مخفی کاری مطلق و رعایت دقیق نکات امنیتی صورت پذیرد و در غیر این صورت بهای قابل پرداخت بسیار سنگین خواهد بود.

وظایف نیروهای برانداز به هنگام :

- در سطح پایتخت و یا شهرهای بزرگ باید بتوان با تکیه بر آماده سازی های ده گانه ی بالا وارد صحنه شد و به اقداماتی که در این مرحله لازم است پرداخت. این اقدامات کدام هستند:
- (1) حضور مسلحانه در صحنه ی تظاهرات برای مقابله با نیروهای سرکوبگر. این مسلم است که بهترین شیوه برای این منظور این است که قبل از رسیدن این نیروها به محل حضور مردم تظاهر کننده بتوان به آنها هجوم آورد و به ایشان ضربه زد. برای این منظور نیز باید مسیرهای رسیدن این نیروها را تحت نظر داشت و با کمین در مسیر عبور، این نیروها را به طوری مورد تهاجم قرار داد که یا نتوانند به صحنه ی تظاهرات برسند و یا در صورت رسیدن آمادگی و آرایش خود را از دست داده باشند.
- پس از این مرحله باید در صحنه ی سرکوب تظاهرات به مقابله ی عملی با آنها پرداخت و از این طریق با افزایش روحیه ی توده ها شرایط را برای هجوم مردم به آنها به منظور تنبیه، دستگیری و خلع سلاح ایشان فراهم کرد.
- (2) در زمان بروز شورش ها نیروهای عملیاتی برانداز باید بر اساس آمادگی های خود به سوی نیروهای دشمن هجوم آورند. در هر جا که فرصت برای ضربه زدن وجود دارد باید وارد عمل شد. این عملیات باید پیوسته بر اساس اصل پرداخت کمترین بها و وارد ساختن بیشترین ضرر باشد. به طوری که نیروهای عملیاتی قای خود را حفظ کنند و به نبرد ادامه دهند. ماهیت این عملیات باید براساس تاثیر روانی مثبت آن بر تود های مشاهده گر از یکسو و تاثیر منفی آن بر نیروهای دشمن از سوی دیگر . هر عملیات باید طوری طراحی شود که کمترین خطر را برای نیروهای مبارز و مردم و بیشترین خط را برای نیروهای رژیم به همراه داشته باشد. باید دقت داشت هدف از عملیات ماجراجویی و یا خود را به طور غیر حرفه ای به خطر انداختن نیست بلکه آنها کاهش هرچه بیشتر به همین دلیل هر عملیات تاکتیکی باید برنامه ریزی شده، هدفمند و در راستای تداوم بخشیدن به استراتژی نبرد تا مرحله ی سرنگونی باشد.
- از جمله هدف های مناسب برای تهاجم می توان از پاسگاه ها، پایگاه های نیروهای انتظامی و بسیج، پادگان ها، مراکز ایست و بازرسی، دفاتر حفاظت و حراست موسسه های اداری، بازداشتگاه ها و زندان ها، انبارهای مهمات، فرودگاه ها، مراکز پارک موتوری و ...
- در همین راستا باید هم چنین مراکز کلیدی نظام برای کنترل جامعه مانند ساختمان های صد او سیما، مراکز مخابراتی، وزارت کشور، کاخ ریاست جمهوری، منازل و مقرهای مهره های درشت نظام و مقر ولی فقیه و سایر مراکز و ساختمان های متعلق به سپاه، ارتش، بسیج، وزارت اطلاعات نیروهای ویژه ضد شورش و ... تهاجم واقع شود.
- در این مرحله آنچه مهم است ایجاد وحشت، شکاف و ریزش نیرو در میان نیروهای رژیم است. برای این منظور نیز می بایست با شناسایی از قبل آمران و عاملان سرکوب به سراغ آنها رفت و راه های گوناگون مانع از آن شد که بتوانند به خدمت رسانی به نظام ادامه دهند. تنبیه برخی از این نیروها می تواند سبب ایجاد وحشت در دل سایرین و نیز تقویت روحیه ی مردم برای دست زدن به اقدامات مشابه شود.

از جمله اقدام های ضروری در این مرحله هجوم های حساب شده به نیروهای رژیم است. با هدف به دست مهمات و تجهیزات تا بتوان این امکانات را در میان نیروهای مردمی مستعد و آماده برای مبارزه ی عملی پخش کرد و با تجهیز آنها به مبارزه ی قهرآمیز دامن زد.

آموزش، تجهیز و سازماندهی نیروهای مردمی در این مرحله که جو و شرایط آماده است کار دشواری نیست اما باید این فعالیت ها تا حد امکان از قبل تدارک دیده و برنامه ریزی شده باشد تا بتوان خصلت خودجوش مبارزه ی قهرآمیز مردمی را از انحراف های احتمالی مانند تصفیه حساب های شخصی و باندازی هر چه سریع تر به سمت تحقق هدف های اصلی و مردمی حرکت؛ یعنی کنار زدن رژیم و دستگاه دولت سرکوب گر هدایت کرد.

وظایف نیروهای برانداز پس از سرنگون سازی رژیم:

پس از سرنگونی وظیفه ی نیروهای مبارز مسلح این است که امنیت جامعه را توسط نیروهای مردمی سازماندهی شده تامین کنند و آنها را آماده سازند تا در جریان یک فرایند انتخابات آزاد و مردمی در صحنه حضور داشته باشند. در صورتی که در آن مقطع طبقه ی کارگر، به عنوان یگانه طبقه ی رادیکال و مستعد مبارزه ی طبقاتی، از سازماندهی کافی برخوردار باشد یک سناریو مشخص سیاسی شکل خواهد

هی شده ی کارگران برای استقرار یک حکومت کارگری در صحنه ی جامعه خواهد بود. این امر بستگی مستقیم به رشد مادی و فکری، آگاهی طبقاتی و سازماندهی طبقه ی کارگر ایران تاریخی دارد. در غیر این صورت جامعه به سوی یک نظام انتخاباتی متنوع با حضور نمایندگان سایر اقشار پیش خواهد رفت.

یکی از سوالاتی که بسیاری از ایرانیان علاقمند به فعالیت مبارزاتی را در مرحله ی کنونی قفل کرده است و اجازه وارد شدن به یک فرایند مبارزاتی قهرآمیز تمام عیار را نمی دهد این است که چه نیرویی قرار است در آن مقطع مدیریت جامعه را بر عهده گیرد و شرایط را برای انتخابات آزاد فراهم کند. به عبارت دیگر چه جریانی کنترل در اختیار خواهد داشت؟

پاسخ نگارنده به این سوال این است که ویژگی های عام تاریخ سیاسی ایران و وضعیت خاص بن بست سیاسی در داخل و خارج کشور شرایطی را فراهم می آورد که احتمال ایجاد یک وحدت نظری و عملی پیرامون یک تشکل هدایت کننده بسیار ضعیف و حتی ناممکن است. اگر قرار باشد این جریان مدیریت کننده از قبل تعیین شود به هر روی مشروعیت اجتماعی، اعتبار سیاسی و کارکردی خواهد بود، زیرا نماینده خواست های خودجوش جامعه نخواهد بود. اما اگر این نیرو در جریان فرایند مبارزاتی شکل گیرد بی شک می تواند خصلت های درون زای جامعه را نیز نمایندگی کند. برای این منظور باید باور داشته باشیم که این نیروی مدیریتی در حال به صورت بالقوه در بین جریان های اجتماعی و تشکل های سیاسی ایرانی رشد و شکل گیری آن برای حضور در صحنه به عنوان یک نیروی مدیر و هدایت گر نیازمند آغاز عملی این فرایند براندازی است و به واسطه ی و در کوران جریان سرنگونی، توان بالقوه ی این نیرو به صورت بالفعل درآمده و شکوفا خواهد شد. راین پیشه کردن کشیدن صرف هیچ کمکی به ظهور این نیرو نمی کند. این نیروی هدایت گر بی شک در حال حاضر بین کارگران، دانشجویان، جوانان مبارزین و تشکل های سیاسی داخل و خارج از کشور موجود است و برای آنکه چاره ای نیست جز آنکه فرایند مبارزاتی شدت گیرد و فاز سرنگونی به طور واقعی و عملی . فازی که اگر وخامت اقتصادی و اجتماعی به همین صورت پیش رود شورش ناشی از فقر می تواند به صورت شتاب آغاز کند.

**